تبیین شکاف میان برنامه‌های درسی قصد شده، اجرا شده و کسب شده دورهٔ اول متوسطه و ارائه راهکارهای عملیاتی

محمدعلی جمالی‌فر*

دکتر سید شمس الدین هاشمی‌مقدم**

دکتر زهره عابدی کرجی‌بان***

دکتر علیرضا فقیهی****

چکیده

پژوهش حاضر با هدف شناسایی عوامل ایجاد شکاف میان بین سه برنامه درسی قصدشده، اجرا شده و کسب شده در دورهٔ اول متوسطه صورت گرفته است و از نوع توصیفی میدانی و مطالعه اسنادی است. نمونه آماری دو گروه ۳۰ و ۵۰ نفری از برنامه‌ریزان درسی و افراد صاحب‌نظر و ده گزارش ارزشیابی از برنامه‌های درسی دوره اول متوسطه بوده که در پنج سال اخیر به اجرا درآمده است. برای گردآوری اطلاعات از پرسشنامه و مطالعه کتابخانه ای و برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از آمار توصیفی و استنباطی‌استفاده شده است. یافته‌ها نشان داده که به منظور کاهش شکاف میان سه برنامه درسی قصد شده، اجرا شده و کسب شده، ضروری است راهکارهای زیر از سوی برنامه‌ریزان درسی به کار گرفته شوند: در بعد برنامه درسی قصد شده، متناسب‌سازی برنامه‌های درسی با رشد سنی و عقلانی دانش‌آموزان، تبیین جنبه‌های کاربردی محتوا، توجه به باورهای اعتقادی، اجتماعی و فرهنگی و ارزشهای حاکم بر جامعه و پرهیز از مفاهیم بسیار انتزاعی و بسیار دشوار می‌تواند کارساز باشد. در بعد برنامه درسی اجرا شده، گسترش دوره‌های ضمن‌خدمت (حضوری و مجازی) و ارتقای کیفیت آنها و اختصاص دادن زمان کافی برای تبیین برنامه جدید و توجه به تربیت معلمان واجد صلاحیت در دروسی که نیاز به معلم متخصص دارند، در اولویت قرار گیرد. در بعد برنامه درسی کسب‌شده، آشنا کردن معلمان با شیوه‌ها و اصول ارزشیابی در طراحی سؤالات مفهومی و استاندارد با توجه به تفاوتهای فردی دانش آموزان می‌تواند در یادگیری موضوعات درسی مؤثر باشد.

کلید واژگان: برنامه درسی قصد شده، اجرا شده و کسب شده، دورهٔ اول متوسطه

تاریخ دریافت: ۹۶/۳/۳۰ تاریخ پذیرش: ۹۷/۳/۲۵

* دانشجوی دکتری برنامه‌ریزی درسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اراک Jamalifar6532@gmail.com

** استادیار فلسفه تعلیم و تربیت، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه اراک (نویسنده مسئول) S-hashemimoghadam@araku.ac.ir

*** استادیار سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، وزارت آموزش و پرورش Zohreh.abedi.k@gmail.com

**** استادیار مدیریت آموزشی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اراک A-Faghihialireza@iau.arak.ac.ir

[Downloaded from qjoe.ir on 2026-11-17]

[DOR: 20.1001.1.10174133.1398.35.1.7.4]

مقدمه و بیان مساله

برنامه درسی مجموعه دانشها، مهارتهای ذهنی و عملکردی، رفتارها، باورها، عقاید و ارزشهایی است که توسط برنامه‌ریزان درسی در مرکز و یا توسط ایالات و یا ترکیبی از این دو اما با درصدهای مختلف (از ۱۰ تا ۳۰ درصد توسط ایالات و ۹۰ تا ۷۰ درصد توسط مرکز) طراحی می‌شود، تا به نیازهای فردی، محلی و منطقه ای، نیازهای مشترک و ملی و انتظارات جهانی از دانش آموزان پاسخ دهد (معافی، ۲۰۰۷؛ چارچوب برنامه درسی ملی هندوستان، ۲۰۰۵؛ سند برنامه درسی ملی، ۱۳۹۱) .

برنامه درسی شامل چند عنصر اساسی است که اغلب برنامه‌ریزان درسی در آن با یکدیگر تفاهم دارند:

۱. چارچوبی از مفروضات درباره یادگیرنده، جامعه و دانش انتخاب شده.

۲. مقاصد و اهداف آموزشی.

۳. محتوا و روشهای انتقال محتوا، برای مثال روشهای یاددهی- یادگیری و محیط یادگیری.

۴. ارزشیابی و صلاحیتهای معلم (ایش[1] ، ۱۹۹۶).

برنامه درسی محصول برنامه‌ریزی درسی است. برنامه‌ریزی درسی نوعی عمل سیاسی، اجتماعی، تربیتی و فرهنگی همکارانه و مشارکتی میان ذینفعان گوناگون است. آنها در مورد آنچه دانش آموزان در سطوح محلی، منطقه ای و ملی یا بین المللی لازم است که یاد بگیرند از طریق یک فرایند پژوهشی و تعاملی، در مورد یک طرح یادگیری با یکدیگر توافق می‌کنند (قورچیان، ۲۰۰۰).

فرایند برنامه‌ریزی درسی همان گونه که گِی[2] (۱۹۹۱) اظهار داشته است "نوعی نظام «گسسته افزایشی» به لحاظ تصمیم‌سازی است که در تدوین عناصر آن مانند اهداف، محتوا و روشها می‌تواند با یک سری از چالشها همراه باشد. برای مثال ممکن است که در تدوین اهداف به نیازهای مخاطبان گوناگون توجه نشده باشد، اهداف به دور از واقع‌بینی تدوین شده باشد، بخشهایی از محتوا متناسب با رشد عقلانی دانش آموزان نباشد، تفاوتهای فردی مورد غفلت قرار گرفته باشد یا روشهای یاددهی- یادگیری با سبکهای یادگیری دانش آموزان سازگار نباشد. همین امر یکی از دلایل بروز شکاف میان برنامه‌های درسی مصوب و اجرایی است" (گِی، ۱۹۹۱: ۲۹۶-۲۹۴؛ به نقل از احمدی، ۱۳۸۰).

1. Eash
2. Gay

[Downloaded from qjoe.ir on 2026-11-17]

[DOR: 20.1001.1.10174133.1398.35.1.7.4]

مهندسی برنامه درسی ایجاب می‌کند که همه فرایندها و فعالیتهای برنامه‌ریزی درسی به گونه ای صورت گیرند که هماهنگی در فرایند برنامه‌ریزی درسی به خوبی حفظ شود تا برنامه بتواند به اهداف خود دست یابد (بیچام[1] ، ۱۹۸۱).

برنامه‌ریزی درسی (فرایند برنامه‌ریزی درسی) تنها تولید مواد آموزشی نیست بلکه فرایندی منظم و هماهنگ شامل سه مرحله طراحی و تولید برنامه، پشتیبانی و اجرا، ارزشیابی، نظارت و مراقبت از برنامه درسی، اصلاح و بازنگری با توجه به نتایج ارزشیابی و نظارت بر اجراست (احمدی، ۱۳۸۰).

برنامه‌ریزان درسی با توجه به گامهای اساسی در فرایند برنامه‌ریزی حداقل از سه نوع برنامه درسی نام می‌برند: برنامه درسی قصد شده، برنامه درسی اجرا شده و برنامه درسی یادگرفته شده. برنامه درسی قصد شده، طرحی است که مراجع قانونی روی عناصر و ساختار آن با یکدیگر تفاهم می‌کنند. این تفاهم ممکن است که در سطح ملی، ایالتی (استانی) یا ترکیبی از این دو حاصل شود. در حالت متمرکز(سطح ملی)، معلمان سراسر کشور برنامه مرکز را بدون چون و چرا به اجرا در می‌آورند. در حالت دوم برنامه در سطح ایالت به اجرا در می آید و در حالت سوم برنامه پیشنهادی ایالت با توجه به شرایط مورد جرح و تعدیل قرار می گیرد (معافی، ۲۰۰۷). به لحاظ سنتی در هر سه حالت، اهداف (دانشها، باورها ، نگرشها و مهارتهای مورد نیاز) از سه منبع ۱) نیازها و علایق حال و آینده دانش آموز، ۲) نیازهای حال و آینده جامعه (ملی یا محلی) و ۳) محتوای دانش/های مورد نظر انتخاب می‌شود (ملکی، ۱۳۷۶).

سارمیینتو[2] (۲۰۱۴) برنامه درسی قصد شده را یک سری از اهداف(مقاصد، اهداف کلی و انتظارات یادگیری) تعریف می‌کند که برنامه‌ریزان درسی انتظار دارند دانش آموزان بدان دست یابند.

برنامه مصوب معمولاً از طریق یک برنامه عملیاتی مورد پشتیبانی قرار می‌گیرد تا قابلیت اجرایی پیدا کند. برنامه پشتیبان شامل تهیه بسته‌های آموزشی برای دانش آموز و معلم (کتاب درسی، کتاب کار، کتاب راهنمای معلم، نرم افزارهای آموزشی برای معلم و دانش آموز)، پیش‌بینی زمان، لوازم کارگاهی و آزمایشگاهی، مواد مورد نیاز، مواد دیداری و شنیداری، تابلوهای هوشمند، ارتباط با شبکه اینترنت داخلی و بین المللی، فضای آموزشی، حمایتهای خانواده، معلمان کمکی، پیش‌بینی دوره‌های ضمن خدمت مورد نیاز و بودجه لازم برای عملیاتی کردن برنامه مصوب است

1. Beauchamp
2. Sarmiento

[Downloaded from qjoe.ir on 2026-11-17]

[DOR: 20.1001.1.10174133.1398.35.1.7.4]

(لوی، ۱۳۹۱؛ جیکبز، ۱۳۹۲). برنامه درسی مصوب از طریق تحلیل راهنمای برنامه درسی، مراجعه به اسناد بالادستی، تحلیل محتوای کتابهای درسی، مراجعه به بخشنامه‌های مرتبط و نظرسنجی از متخصصان موضوعی و معلمان مورد بررسی و مطالعه قرار می‌گیرد (روبیتایل[1]، ۱۹۹۳، به نقل از امانی طهرانی، ۱۹۹۴؛ معافی و جمالی فر، ۱۳۹۵).

برنامه درسی اجرایی، اجرای برنامه درسی شامل کلیه فعالیتها و تجربیات لازم در کلاس درس است که دانش آموزان برای رسیدن به اهداف مورد نظر برنامه‌ریزان درسی انجام می‌دهند (بیچام، ۱۹۸۱: ۲۰۷، به نقل از قورچیان، ۲۰۰۰؛ سارمیِینتو، ۲۰۱۴).

برنامه درسی کسب شده، تغییرات یادگیری است که از طریق به اجرا درآمدن برنامه درسی در دانسته‌ها، مهارتها و نگرشهای دانش آموزان به وجود می آید. این برنامه اشاره به نتایج حاصل از رویدادهایی دارد که در داخل کلاس درس و در نتیجه تعامل دانش آموزان با معلم، دانش آموزان با یکدیگر یا دانش آموزان با محیطهای یادگیری داخل و خارج از مدرسه اتفاق می‌افتد. در گردآوری اطلاعات مرتبط با برنامه کسب شده از آزمونهای کتبی و عملکردی، مشاهده نمونه کارهای دانش آموز، پرسشنامه نگرش‌سنج دانش آموز و برگه مشاهده رفتار دانش آموز استفاده می‌شود(روبیتایل و یوهانسون[2]، ۲۰۰۳، به نقل از امانی طهرانی، ۱۳۹۴؛ رستگار، ۱۳۸۳). به برنامه درسی کسب شده محصول نیز گفته می شود (سارمیِینتو، ۲۰۱۴).

کارول [3] (۲۰۱۵) شکاف میان برنامه درسی قصد شده و اجرا شده را در اغلب مدارس آمریکا به‌ویژه در درسهای علوم و ریاضی، ناشی از کمبود مواد آموزشی کیفی و متناسب با استانداردهای جدید برنامه درسی برای معلمان و دانش آموزان می‌داند.

فیتون [4] و استییِرز[5] (۲۰۱۷) در تحقیق خود دربارهٔ علت شکاف میان برنامه درسی قصد شده و اجرا شده از نظر معلمان به کیفیت پایین طراحی برنامه درسی، عدم توجه به نیازهای گوناگون دانش آموزان، کم‌توجهی به واقعیتهای اجرایی، عدم پشتیبانی از برنامه درسی و کیفیت پایین مواد آموزشی، کمبود مهارتهای درک فرایند علمی و نا آشنایی معلمان با اصطلاحات به کاررفته در اسناد راهنمای برنامه درسی اشاره کرده اند.

1. Robitaille
2. Johansson
3. Carroll
4. Phaeton
5. Stears

[Downloaded from qjoe.ir on 2026-11-17]

[DOR: 20.1001.1.10174133.1398.35.1.7.4]

جمالی فر وهمکاران (۱۳۹۵) در پژوهشی تحت عنوان "بررسی همخوانی برنامه درسی قصد شده درس تفکر و سبک زندگی پایه هشتم دوره اول متوسطه با برنامه درسی اجراشده و کسب شده" بر راهکارهایی مانند توجه به نیازهای فردی و اجتماعی در تدوین اهداف، متناسب‌سازی محتوا با رشد سنی فراگیر، درهم تنیدگی دو بخش تفکر و سبک زندگی، آموزش معلمان، نظارت بر استفاده درست از زمان، گسترش کمی و کیفی دوره‌های ضمن خدمت برای معلمان، تولید مواد آموزشی پشتیبان برای معلمان و دانش آموزان مانند کتاب راهنمای معلم و نرم افزارهای الکترونیکی و نظارت بر اجرای برنامه در مدارس تاکید دارند.

تورانی (۱۳۹۳) در پژوهش خود با عنوان "ارزشیابی از بسته آموزشی برنامه درسی تفکر و سبک زندگی پایه هفتم" دربارهٔ علل شکاف میان سه برنامه درسی قصد شده، اجراشده و کسب شده معتقد است که معلمان دانش کافی دربارهٔ برنامه درسی تفکر و سبک زندگی ندارند، در بخش مهارتی نیز از صلاحیت لازم برای تدریس این درس برخوردار نیستند و نمی‌توانند توانمندیهای ذهنی و عملی لازم را به منظور نیل به اهداف این درس در دانش آموزان ایجاد کنند.

احمدی (۱۳۸۰) در پژوهش خود تحت عنوان "بررسی میزان همخوانی و هماهنگی بین سه برنامه قصد شده، اجراشده و کسب شده در برنامه جدید علوم دوره ابتدایی" دربارهٔ عدم همخوانی میان سه برنامه درسی قصد شده، اجرا شده و کسب شده در بعد برنامه درسی قصد شده بر عدم مشارکت معلمان در طراحی و تدوین برنامه علوم، ناهماهنگی میان دفتر برنامه‌ریزی و تالیف کتب درسی با دفتر فناوری آموزشی و انتشارات کمک آموزشی و دفتر آموزش ضمن خدمت، در بعد برنامه درسی اجراشده بر عدم تدارک لازم برای پشتیبانی از اجرای موفق برنامه، کم توجهی به آماده‌سازی معلمان و مدیران، عدم نظارت بر نحوه اجرای برنامه‌های تولید شده از سوی مرکز و مناطق، توانایی کم مدرسان ضمن خدمت، ضعف معلمان در به کارگیری روشهای نوین یاددهی-یادگیری و در بعد برنامه درسی کسب شده بر عدم مهارت معلمان در ارزشیابی از آموخته‌های فراگیران تاکید کرده است.

حاجی تبار، ملکی و احمدی(۱۳۹۵) در پژوهشی تحت عنوان "طراحی و اعتبارسنجی الگوی مفهومی کاهش فاصله برنامه درسی قصد شده، اجراشده و کسب شده در نظام آموزش عمومی ایران" دربارهٔ علل شکاف در سه برنامه درسی در بخش برنامه درسی قصد شده بر مواردی مانند شیوه برنامه‌ریزی درسی سنتی و متمرکز، غالب بودن افراد متخصص در شوراهای برنامه‌ریزی درسی و نبود متخصص برنامه‌ریزی درسی موضوعی، عدم مشارکت معلمان و ذینفعان در

[Downloaded from qjoe.ir on 2026-11-17]

[DOR: 20.1001.1.10174133.1398.35.1.7.4]

برنامه‌ریزی درسی به سبب انتخاب رویکرد مهندسی به‌جای رویکرد مشارکتی، کم‌توجهی به اصول برنامه‌ریزی درسی، در بخش اجرای برنامه درسی وجود دیدگاه تفکیکی در میان عوامل و دست‌اندرکاران تولید، اجرا و ارزشیابی و کم‌توجهی به رویکرد تربیتی، عدم هماهنگی میان عوامل دخیل در برنامه‌ریزی درسی مانند دفتر برنامه‌ریزی و تالیف کتابهای درسی، دفتر فناوری آموزشی و امور کمک آموزشی، دفتر ارزشیابی تحصیلی و دفتر آموزش ضمن خدمت، کمبود امکانات و نیروی انسانی استاندارد، کافی نبودن دوره‌های ضمن خدمت و ضعف معلمان و مدرسان در اجرای برنامه درسی از نظر علمی و مهارتی، آماده نبودن معلمان و کارکنان برای اجرای برنامه‌های جدید، ضعف در نظارت، مراقبت و هدایت معلمان و مدیران و در زمینهٔ برنامه درسی کسب شده به انگیزه پایین دانش آموزان در یادگیری و آشنا نبودن دانش آموزان با شیوه‌های مطالعه و یادگیری تاکید کرده اند.

از آنجا که راهبردهای مشخصی در زمینهٔ چگونگی برقراری هماهنگی کافی میان سه برنامه درسی مصوب (که مراکز برنامه‌ریزی درسی در ایران طراحی می‌کنند و به تصویب مراجع قانونی می‌رسد)، برنامه درسی که در مدارس به اجرا در می آید و مورد ارزشیابی قرار می‌گیرد و برنامه درسی کسب شده وجود ندارد و نیز به این سبب که مشکلات هر بخش از فرایند برنامه‌ریزی درسی و علل بروز شکاف در این سه برنامه درسی به ویژه در دوره اول متوسطه مورد مطالعه قرار نگرفته است، این تحقیق در پی آن است که با مطالعه پیمایشی و نظرسنجی از برنامه‌ریزان درسی و مراجعه به پژوهشهای داخلی و تحلیل گزارشهای ارزشیابی از برنامه‌های درسی دوره اول متوسطه که در زمینهٔ برنامه‌های درسی جدید دوره اول متوسطه در پنج سال اخیرصورت گرفته است، متغیرهای اثرگذار بر فرایند برنامه‌ریزی درسی، اجرا و ارزشیابی از برنامه‌های درسی دوره اول متوسطه را شناسایی کند و با ارائهٔ یک چارچوب عملیاتی (قابل اجرا) و اعتباربخشی این الگو از دید صاحب‌نظران برنامه درسی، راهبردهایی را برای پرکردن این شکاف در اختیار ذینفعان برنامه درسی (سیاستگذاران آموزش و پرورش، برنامه‌ریزان درسی، مدیران ستادی و میانی و صف و معلمان) در سه بخش طراحی، اجرا و ارزشیابی قرار دهد. با توجه به مطالب فوق پژوهش حاضر در پی پاسخ به سؤالات زیر است:

۱. متغیرهای اثرگذار از دید معلمان، برنامه‌ریزان درسی و افراد صاحب‌نظر در عدم تحقق اهداف قصد شده که موجب بروز شکاف و عدم ناهماهنگی میان برنامه‌های درسی قصد شده، اجرا شده و کسب شده کدام هستند؟

[Downloaded from qjoe.ir on 2026-11-17]

[DOR: 20.1001.1.10174133.1398.35.1.7.4]

۲. با توجه به عوامل ایجاد شکاف و ناهماهنگی میان برنامه‌های درسی قصد شده، اجرا شده و کسب شده در برنامه‌های درسی دوره اول متوسطه، با کدام راهکارها و الگو می‌توان به کاهش این شکاف و تحقق یافتن بهتر اهداف برنامه درسی کمک کرد و این الگو تا چه اندازه از دید برنامه ریزان درسی و افراد صاحب نظر معتبر است؟

نمونه آماری و روش نمونه گیری

نمونه آماری این مطالعه شامل دو گروه از افراد صاحب‌نظر و یک دسته گزارش ارزشیابی از برنامه‌های درسی دوره اول متوسطه بود: گروه اول شامل دو گروه ۳۰ و ۵۰ نفری از برنامه‌ریزان درسی از دو دفتر تالیف کتابهای درسی دوره ابتدایی و متوسطه نظری و دفتر برنامه‌ریزی درسی فنی و حرفه ای بودند. ده گزارش ارزشیابی بر شناسایی متغیرهای اثرگذار بر عوامل ایجاد شکاف میان سه برنامه درسی قصدشده، اجرا شده و کسب شده متمرکز بودند.

ابزار پژوهش

در این پژوهش بر اساس داده‌های مورد نیاز تحقیق، سه نوع ابزار اندازه‌گیری به کار رفته است که عبارت اند از:

۱. پرسشنامه مربوط به نظرسنجی اولیه از کارشناسان برنامه‌ریزی درسی در زمینهٔ متغیرهای اثرگذار در ایجاد شکاف میان سه برنامه درسی (حاوی ۲۵ سؤال). اعتبار سؤالات این پرسشنامه با توجه به روش آلفای کرونباخ برابر با ۸۷٪ بوده است که بیانگر پایایی مناسب ابزار تهیه شده است.

۲. پرسشنامه مربوط به اعتباربخشی چارچوب راهکارهای پیشنهادی و الگوی عملیاتی در زمینهٔ راهکارهای کاهش فاصله میان برنامه‌های درسی قصدشده، اجراشده و کسب شده در دوره اول متوسطه و قابلیت اجرایی این راهکارها. اعتبار سؤالات این پرسشنامه با توجه به روش آلفای کرونباخ ۸۱٪ درصد محاسبه شده که مقدار قابل قبولی است و می‌توان به اجرایی بودن آن اطمینان کرد.

۳. ده گزارش طرحهای مربوط به ارزشیابی از برنامه‌های درسی جدید دوره اول متوسطه (توضیح آنکه این گزارشها همگی در پی بررسی مشکلات برنامه درسی قصد شده، اجراشده و کسب شده برنامه‌های جدید درسی دوره اول متوسطه بوده اند که از سال تحصیلی ۱۳۹۱-۱۳۹۰ اجرای آن آغاز شده است). در این گزارشها، پس از شناسایی متغیرهای اثرگذار بر ایجاد شکاف میان برنامه‌های درسی قصد شده، اجراشده و کسب شده هر کدام با توجه به ارتباط آن با نوع برنامه‌درسی طبقه‌بندی شده سپس مبنای طرح سؤالات از افراد صاحب نظر در مرحله اول نظرسنجی قرار گرفته است.

[Downloaded from qjoe.ir on 2026-11-17]

[DOR: 20.1001.1.10174133.1398.35.1.7.4]

روش شناسی پژوهش

پژوهش حاضر با توجه به روش تحقیق از نوع پیمایشی– میدانی و مطالعه اسنادی بوده است. داده‌ها با استفاده از دو شیوه نظرسنجی میدانی از برنامه‌ریزان درسی و افراد صاحب‌نظر (با استفاده از پرسشنامه و مصاحبه گروهی ساختارمند) و روش مطالعه اسنادی (بررسی نتایج گزارشهای ارزشیابی از برنامه‌های درسی دوره اول متوسطه) گردآوری شده و با بهره‌گیری از دو شیوه کمّی و کیفی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. با استفاده از نتایج به دست آمده از گزارشهای ارزشیابی پرسشنامه ای حاوی سؤالات بسته‌پاسخ و بازپاسخ تهیه شده و در میان ۳۰ نفر از برنامه‌ریزان درسی به نظرسنجی اولیه گذاشته شده است. در مرحله دوم پس از احصای عوامل مؤثر بر ایجاد شکاف میان سه برنامه درسی قصد شده، اجرا شده و کسب شده که با استفاده از نظرات کارشناسان و نتایج ارزشیابی از برنامه‌های درسی دوره اول متوسطه به دست آمده بود، به منظور کسب اطمینان مجدد از اعتبار این متغیرها و راهکارهای عملیاتی پیشنهادی برای کاهش این شکاف، پرسشنامه ای ساختارمند در میان ۵۰ نفر از کارشناسان برنامه‌ریزی درسی و افراد صاحب نظر مجددا توزیع شد. انتخاب دو گروه فوق به روش دلفی صورت گرفته است. در تحلیل داده‌ها از آمار توصیفی (درصد و میانگین) و آمار استنباطی (ضریب همبستگی اسپیرمن و آزمون دو جمله ای دو سویه) استفاده شده است. در پایان با توجه به فراوانی نظرات موافقان و اطمینان از معنادار بودن این پاسخها، برای کاهش شکاف میان سه برنامه قصد شده، اجراشده و کسب شده در دوره اول متوسطه، با توجه به شرایط آموزش و پرورش در ایران، یک سلسله راهکارهای قابل اجرا و پیشنهاد ارائه شده است.

یافته‌های پژوهش

نظرات معلمان و برنامه ریزان درسی در پاسخ به سوال اول پژوهش

الف) نظرات معلمان در زمینهٔ علل شکاف میان سه برنامه درسی قصد شده، اجراشده و کسب شده (با استناد به نتایج گزارشهای ارزشیابی از برنامه‌های درسی جدید دوره اول متوسطه)

۱) متغیرهای اثرگذار بر کیفیت برنامه درسی قصد شده و ایجاد شکاف با برنامه درسی اجرا شده و کسب شده از نظر معلمان دوره اول متوسطه

۱) بیشتر معلمان از برنامه درسی قصد شده آگاهی ندارند، ۲) اهداف برنامه درسی زیاد است، ۳) بخشهایی از برنامه‌های درسی با رشد سنی و عقلانی دانش آموزان متناسب نیست، ۴) غفلت برنامه‌ریز و مؤلف از تبیین جنبه‌های کاربردی محتوا در کتاب درسی، ۵) عدم توجه به واقعیتهای

[Downloaded from qjoe.ir on 2026-11-17]

[DOR: 20.1001.1.10174133.1398.35.1.7.4]

اجرایی در مدارس، ۶) کمبود زمان تدریس، ۷) کم‌توجهی به نیازهای فردی و اجتماعی دانش‌آموزان، ۸) عدم انعطاف در محتوای برخی از دروس با توجه به تفاوتهای اجتماعی، اقتصادی، جغرافیایی و فرهنگی مناطق گوناگون ایران، ۹) کم‌توجهی به باورهای اعتقادی، اجتماعی و فرهنگی خانواده‌ها و و ارزشهای حاکم بر جامعه، ۱۰) وجود مفاهیم بسیار انتزاعی در برنامه‌های درسی، ۱۱) ابهام یا دشواری در درک برخی از مفاهیم، ۱۲) جذاب نبودن محتوا، ۱۳) فراوانی تمرینات خسته کننده، ۱۴) نبود انعطاف در برنامه درسی با توجه به تفاوتهای محیطی. فراوانی پاسخهای معلمان به این متغیرها براساس گزارشهای ارزشیابی از ۳۳ تا ۸۰ درصد در تغییر بوده است.

۲) متغیرهای اثر گذار بر کیفیت برنامه درسی اجرا شده و ایجاد شکاف با برنامه درسی قصدشده و کسب شده از نظر معلمان دوره اول متوسطه

۱) بی اطلاعی معلمان از راهنمای برنامه درسی، ۲) کمبود مواد و وسایل آموزشی پشتیبان، ۳) کمبود کتاب راهنمای معلم، ۴) کمبود فضای آزمایشگاهی، کارگاهی و ورزشی در مدارس، ۵) کافی نبودن دوره‌های آموزش ضمن خدمت چه از نظر زمانی و چه گستره آن، ۶) کیفیت پایین دوره‌های ضمن خدمت، ۷) عدم برگزاری دوره ضمن خدمت برای معلمان تازه‌کار، ۸) مجرب نبودن برخی از مدرسان دوره‌های ضمن خدمت، ۹) نبود انگیزه در معلم برای تدریس و نبود انگیزه یادگیری در دانش آموز،۱۰) علاقه معلمان به استفاده از روشهای سنتی تدریس و ناتوانی و بی‌علاقگی در به‌کارگیری روشهای فعال و نوین تدریس، ۱۱) عدم نظارت براجرای برنامه‌های درسی از سوی مدیران، مسئولان و بازرسان، ۱۲) اختصاص دادن ساعت برخی از دروس مانند هنر، تربیت بدنی یا تفکر و سبک زندگی به دروس علوم پایه، ۱۳) تراکم زیاد جمعیت دانش آموزان در کلاس، ۱۴)کمبود معلم مرتبط در برخی از دروس و تدریس معلمان غیرمرتبط. فراوانی پاسخهای معلمان به این متغیرها براساس گزارشهای ارزشیابی از ۵۰ تا ۸۵ درصد در تغییر بوده است.

۳) متغیرهای اثرگذار بر برنامه درسی کسب شده و ایجاد شکاف با برنامه درسی قصد شده و اجرا شده از نظر معلمان دوره اول متوسطه

۱) ناتوانی معلمان در به‌کارگیری راهبردهای ارزشیابی توصیه شده در راهنمای معلم و بسنده کردن معلمان به ارزشیابی صوری و کتبی، ۲) عدم آشنایی برخی از معلمان با شیوه‌ها و اصول ارزشیابی و ضعف در طراحی سؤالات مفهومی و استاندارد؛ نادیده گرفتن شیوه‌ها و ابزارهای ارزشیابی از سوی معلمان و تمایل آنها به آسان‌گیری در ارزشیابی، ۳) ندادن بازخورد به معلمان

[Downloaded from qjoe.ir on 2026-11-17]
[DOR: 20.1001.1.10174133.1398.35.1.7.4]

به سبب عملکرد ضعیف آنها در کلاس درس از سوی مدیران و یا مسئولان اداری، ۴) غیر واقعی بودن نتایج ارزشیابی به سبب عدم مقایسه نتایج تحصیلی دانش آموزان با یک نظام ارزشیابی استاندارد، ۵) تنبلی و کم‌کاری برخی از دانش آموزان و وجود تفاوتهای فردی. فراوانی پاسخهای معلمان به این متغیرها براساس گزارشهای ارزشیابی از ۳۰ تا ۷۰ درصد در تغییر بوده است.

ب) نتایج نظرسنجی از برنامه‌ریزان درسی در زمینهٔ علل شکاف میان سه برنامه درسی قصدشده، اجراشده و کسب شده در دوره اول متوسطه (مرحله اول نظرسنجی از ۳۰ نفر از برنامه‌ریزان درسی)

جدول ۱: متغیرهای اثرگذار بر کیفیت برنامه‌های درسی قصد شده، اجراشده و کسب شده از نظر برنامه‌ریزان درسی (دوره اول متوسطه)

شماره	متغیرهای اثرگذار بر برنامه درسی قصد شده	متغیرهای اثرگذار بر برنامه درسی اجرا شده	متغیرهای اثرگذار بر برنامه درسی کسب شده
۱	غفلت از نیازسنجی و پژوهش(۲۷ درصد)	غفلت از اشاعه برنامه درسی در میان ذینفعان (۴۰ درصد)	بی‌انگیزه بودن دانش آموزان و وجود تفاوتهای فردی در یادگیری دانش آموزان(۳۳ درصد)
۲	برنامه‌ریزی درسی تفکیکی و جدا بودن ذینفعان گوناگون در فرایند برنامه‌ریزی، اجرا و ارزشیابی از برنامه درسی(۴۵ درصد)	عدم آشنایی معلمان با ابعاد نظری و عملی برنامه درسی و راهکارهای اجرایی برنامه در دستیابی به اهداف (۷۳ درصد)	حجم زیاد محتوا (۶۰ درصد)
۳	متناسب نبودن اهداف با نیازهای سنی، عقلانی، جسمانی، اجتماعی و عاطفی مخاطبان و نداشتن درک دقیق از شرایط دوره نوجوانی (۷۵ درصد)	اجرای برنامه متفاوت از خواست برنامه‌ریزان درسی (۲۷ درصد)	کم بازده بودن برخی از روشهای تدریس(۲۸ درصد)
۴	عدم توجه به نیازهای محلی، اجتماعی و ملی (۶۸ درصد)	غفلت از اجرای آزمایشی برنامه به ویژه در سالیان اخیر(۴۵ درصد)	دشواری در پیاده سازی شیوه‌های جدید ارزشیابی (۳۰ درصد)
۵	آرمانی بودن اهداف و عدم توجه به واقعیتهای اجرایی(۸۰ درصد)	کمبود مواد آموزشی و بی‌توجهی نسبت به سرمایه‌گذاری و پشتیبانی از برنامه‌های درسی (۹۰ درصد)	نبود بسته ارزشیابی تحصیلی مناسب برای دانش آموزان(۲۰ درصد)
۶	عدم همخوانی برنامه درسی با مبانی فکری، اعتقادی، فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی جامعه (۶۶ درصد)	فقدان انعطاف در محتوای برنامه با توجه به شرایط کلاسی و محیطی و قابل اجرا نبودن برخی از فعالیتها (۹۰ درصد)	تمرکز ارزشیابی بر اهداف دانشی و غفلت معلمان در ارزشیابی از سایر حیطه‌ها (۴۵ درصد)
۷	عدم توجه به اسناد بالادستی (برنامه‌درسی ملی) و اصول و معیارهای مصوب در طراحی برنامه‌درسی (۹۰ درصد)	مخالفت برخی از معلمان با برنامه‌های جدید درسی به سبب تفکر سنت‌گرا و کمی انگیزه کاری در معلمان(۶۶ درصد)	تاکید بر آزمونهای تستی بجای آزمونهای متنوع و عدم انطباق شیوه‌های ارزشیابی از فراگیران با اهداف برنامه درسی(۶۶ درصد)
۸	برخوردار نبودن برنامه از یک انسجام منطقی(۲۷ درصد)	بسنده کردن معلمان به روشهای تدریس سنتی، بی‌اعتنایی به روشهای نوین تدریس و نداشتن مهارت در به‌کارگیری روشهای نوین تدریس(۸۷ ٪)	ناهمخوانی روشهای ارزشیابی در کلاس درس با اصول ارزشیابی مطرح در سند برنامه درسی ملی و راهنمای برنامه (۳۳ درصد)
۹	جذاب نبودن برنامه، کاربردی نبودن یا به روزآمد نبودن برنامه درسی (۴۷درصد)	کمبود زمان تدریس به دلیل حجم زیاد اطلاعات (۷۳ درصد)	زیادی جمعیت کلاسهای درس (۳۳ درصد)
۱۰	هماهنگ نبودن برنامه درسی رسمی با فعالیتهای غیر رسمی(۲۷ درصد)	ناهماهنگی عوامل اجرایی با یکدیگر مانند دفتر ضمن خدمت، دفتر تکنولوژی آموزشی، انتشارات کمک آموزشی و بخشهای اجرایی (۶۴ درصد)	شرایط خاص دوره نوجوانی

[Downloaded from qjoe.ir on 2026-11-17]

[DOR: 20.1001.1.10174133.1398.35.1.7.4]

۱۱	کم توجهی به تفاوتهای فردی (۳۳ درصد)	ناهماهنگی میان بسته آموزشی تولید شده و اهداف مورد انتظار(۱۵درصد)	----------
۱۲	عدم توجه به موقعیت جغرافیایی، فرهنگی و اجتماعی دانش آموزان (۴۰ درصد)	عدم نظارت بر اجرای برنامه از سوی سیاستگزاران، برنامه‌ریزان درسی و مسئولان ستادی و صف(۶۰ درصد)	----------
۱۳	عدم توجه به پرورش تفکر در سازماندهی محتوا (۳۳ درصد)	کم توجهی به آموزش ضمن خدمت معلمان و کارآمد نبودن دوره‌های ضمن خدمت و کمبود مدرسان کارآمد برای اجرای دوره‌های ضمن خدمت(۹۳ درصد)	----------
۱۴	کم توجهی به ارتباط طولی و عرضی در سازماندهی محتوا (۱۸ درصد)	استفاده از معلمان غیرمرتبط یا غیر متخصص (۴۰ درصد)	----------
۱۵	عدم توجه به پیش‌بینی و تدوین پیش‌نیازهای یادگیری در دوره ابتدایی در برخی از دروس (۲۷ درصد)	یکسان نبودن ارزش دروس نزد مدیران و والدین (۵۲ درصد)	----------
۱۶	غلبه دانش- محوری بر اهداف پرورش تفکر، عمل، اخلاق و ایمان- محوری (۳۳ درصد)	غفلت از آموزش خانواده ها (۳۳ درصد)	----------

برنامه‌ریزان در بعد برنامه درسی قصد شده و اجراشده هرکدام به ۱۶ متغیر و در زمینهٔ برنامه کسب شده به ۱۰ متغیر اشاره کرده اند. در مجموع در نظرسنجی اولیه برنامه‌ریزان درسی ۴۲ مورد اشاره کرده اند.

نتایج حاصل از نظرات برنامه‌ریزان درسی و افراد صاحب‌نظر در پاسخ به سؤال دوم پژوهش

جدول ۲: نتایج نظرسنجی دربارهٔ راهکارهای پیشنهادی پژوهشگران در مورد بهبود کیفیت برنامه درسی قصد شده و میزان اعتبار آنها از نظر برنامه‌ریزان درسی و افراد صاحب‌نظر(دوره اول متوسطه)

راهکارهای **مربوط به برنامه درسی قصد شده**		خیلی کم	کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد	جمع	میانگین از ۵	ترتیب میانگین
۱. برنامه‌ریزی درسی با توجه به اصول یازدهگانه سند برنامه درسی ملی در طراحی محتوای حوزه‌های یادگیری	فراوانی	۲	۹	۲	۱۹	۱۸	۵۰	۳/۸۴	۱۱
	درصد	٪۴	٪۱۸	٪۴	٪۳۸	٪۳۶	٪۱۰۰		
۲. متوازن کردن تعداد اهداف برنامه درسی و پرهیز از ارائه اهداف متعدد	فراوانی	۲	۵	۱	۲۴	۱۸	۵۰	۴/۰۲	۶
	درصد	٪۴	٪۱۰	٪۲	٪۴۸	٪۳۶	٪۱۰۰		
۳. متناسب سازی برنامه درسی با رشد سنی و عقلانی دانش آموزان و شرایط دوره نوجوانی	فراوانی	۰	۳	۱	۲۲	۲۱	۴۷	٪۴/۳	۱
	درصد	٪۰	٪۶/۴	٪۲/۱	٪۴۶/۸	٪۴۴/۷	٪۱۰۰		
۴. تبیین جنبه‌های کاربردی محتوا در کتاب درسی	فراوانی	۰	۵	۳	۲۳	۱۹	۵۰	۴/۱۲	۲
	درصد	٪۰	٪۱۰	٪۶	٪۴۶	٪۳۸	٪۱۰۰		
۵. توجه به واقعیتهای اجرایی در مدارس	فراوانی	۵	۵	۱	۲۱	۱۶	۴۸	۳/۷۹	۱۳
	درصد	٪۱۰/۴	٪۱۰/۴	٪۲/۱	٪۴۳/۸	٪۳۳/۳	٪۱۰۰		
۶. متناسب سازی حجم محتوا با توانایی دانش آموزان و زمان تدریس	فراوانی	۱	۶	۲	۲۸	۱۲	۴۹	۳/۹	۸
	درصد	٪۲	٪۱۲/۲	٪۴/۱	٪۵۷/۱	٪۲۴/۵	٪۱۰۰		
۷. توجه به نیازهای فردی و اجتماعی و متناسب سازی محتوا با نیازهای حال و آینده	فراوانی	۰	۸	۱	۲۸	۱۱	۴۸	۳/۸۸	۹
	درصد	٪۰	٪۱۶/۷	٪۲/۱	٪۵۸/۳	٪۲۲/۹	٪۱۰۰		
۸. توجه به باورهای اعتقادی، اجتماعی و	فراوانی	۱	۱	۱	۳۶	۱۰	۴۹	۴/۰۸	۳

[Downloaded from qjoe.ir on 2026-11-17]
[DOR: 20.1001.1.10174133.1398.35.1.7.4]

فرهنگی خانواده‌ها و ارزشهای حاکم بر جامعه در انتخاب محتوا	درصد	٪۲	٪۲	٪۲	٪۷۳/۵	٪۲۰/۴	٪۱۰۰		
۹. پرهیز از مفاهیم بسیار انتزاعی و بسیار دشوار در برنامه‌های درسی	فراوانی	۱	۳	۰	۳۵	۱۱	۵۰	۴/۰۴	۴
	درصد	٪۲	٪۶	٪۰	٪۷۰	٪۲۲	٪۱۰۰		
۱۰. توجه به پیشینه تجربی دانش آموزان در دوره ابتدایی	فراوانی	۰	۵	۱	۳۱	۹	۴۶	۳/۹۶	۷
	درصد	٪۰	٪۱۰/۹	٪۲/۲	٪۶۷/۴	٪۱۹/۶	٪۱۰۰		
۱۱. سازماندهی محتوای برنامه درسی به شیوه فعال	فراوانی	۰	۷	۲	۳۲	۹	۵۰	۳/۸۶	۱۰
	درصد	٪۰	٪۱۴	٪۴	٪۶۴	٪۱۸	٪۱۰۰		
۱۲. بالابردن جذابیت محتوا	فراوانی	۰	۵	۰	۳۳	۱۲	۵۰	۴/۰۴	۴
	درصد	٪۰	٪۱۰	٪۰	٪۶۶	٪۲۴	٪۱۰۰		
۱۳. پرهیز از ارائه تمرینات و تکالیف خسته کننده	فراوانی	۰	۸	۴	۲۷	۱۰	۴۹	۳/۸	۱۲
	درصد	٪۰	٪۱۶/۳	٪۸/۲	٪۵۵/۱	٪۲۰/۴	٪۱۰۰		
وضعیت کلی برنامه درسی قصد شده								۳/۹۷	

با توجه به داده‌های جدول شماره ۲، از نظر برنامه‌ریزان درسی و افراد صاحب نظر راهکار شماره ۳(متناسب سازی برنامه درسی با رشد سنی و عقلانی دانش آموزان و شرایط دوره نوجوانی) با میانگین ۴/۳۰ در اولویت اول، راهکار شماره ۴ (تبیین جنبه‌های کاربردی محتوا در کتاب درسی) با میانگین ۴/۱۲ در اولویت دوم و راهکارهای شماره ۹ (پرهیز از مفاهیم بسیار انتزاعی و بسیار دشوار در برنامه‌های درسی) و شماره ۱۰(توجه به پیشینه تجربی دانش آموزان در دوره ابتدایی) در اولویت سوم قرار گرفته اند. همچنین با توجه به اینکه سایر راهکارهای پیشنهادی بالاتر از حد متوسط و با میانگین کل ۳/۹۷ (زیاد) هستند، در مجموع می‌توان اظهار کرد که راهکارهای پیشنهادی مورد تأیید برنامه‌ریزان درسی هستند.

جدول ۳: نتایج نظر سنجی دربارهٔ راهکارهای پیشنهادی پژوهشگران در زمینهٔ بهبود کیفیت برنامه‌های درسی اجرا شده و میزان اعتبار آنها از نظر برنامه ریزان درسی و افراد صاحب نظر(دوره اول متوسطه)

راهکارهای **مربوط به برنامه درسی اجرا شده**		خیلی کم	کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد	جمع	میانگین از ۵	ترتیب میانگین
۱. اشاعه برنامه درسی و اجرای آزمایشی پیش از اجرای سراسری	فراوانی	۴	۴	۲	۲۳	۱۶	۴۹	۳/۸۸	۸
	درصد	٪۸/۲	٪۸/۲	٪۴/۱	٪۴۶/۹	٪۳۲/۷	٪۱۰۰		
۲. بالا بردن انگیزه کاری در معلمان و حمایت همه جانبه از آنها	فراوانی	۵	۴	۰	۲۲	۱۷	۴۸	۳/۸۸	۹
	درصد	٪۱۰/۴	٪۸/۳	٪۰	٪۴۵/۸	٪۳۵/۴	٪۱۰۰		
۳. تأمین مواد آموزشی مورد نیاز در قالب بسته آموزشی (کتاب راهنمای معلم، کتاب کار و تمرین، نرم افزارهای آموزشی برای دانش آموزان و معلمان، نرم افزار معرفی راهنمای برنامه درسی، کیتهای آموزشی در صورت نیاز و...) و سایر تجهیزات دیداری و شنیداری	فراوانی	۰	۷	۱	۲۹	۱۳	۵۰	۳/۹۶	۵
	درصد	٪۰	٪۱۴	٪۲	٪۵۸	٪۲۶	٪۱۰۰		
۴. تامین فضای آزمایشگاهی، کارگاهی و ورزشی در مدارس	فراوانی	۰	۱۱	۳	۲۶	۱۰	۵۰	۳/۷	۱۲
	درصد	٪۰	٪۲۲	٪۶	٪۵۲	٪۲۰	٪۱۰۰		

[Downloaded from qjoe.ir on 2026-11-17]

[DOR: 20.1001.1.10174133.1398.35.1.7.4]

۵. گسترش دوره‌های ضمن خدمت به شیوه‌های حضوری و مجازی و ارتقای کیفیت دوره‌های ضمن خدمت و اختصاص دادن زمان کافی برای تبیین برنامه جدید و کسب مهارت در اجرای برنامه	فراوانی	۱	۳	۱	۲۵	۱۹	۴۹	۴/۱۸	۱
	درصد	٪۲	٪۶/۱	٪۲	٪۵۱	٪۳۸/۸	٪۱۰۰		
۶. برگزاری دوره‌های ضمن خدمت برای معلمان تازه‌کار و غیر مرتبط	فراوانی	۰	۶	۱	۲۳	۲۰	۵۰	۴/۱۴	۲
	درصد	٪۰	٪۱۲	٪۲	٪۴۶	٪۴۰	٪۱۰۰		
۷. برنامه‌ریزی در جهت افزایش سطح مهارتهای علمی و حرفه ای مدرسان استانی و انتخاب مدرسان دارای صلاحیت از سوی استانها و مناطق آموزشی	فراوانی	۱	۵	۰	۲۸	۱۶	۵۰	۴/۰۶	۳
	درصد	٪۲	٪۱۰	٪۰	٪۵۶	٪۳۲	٪۱۰۰		
۸. ترغیب معلمان در به‌کارگیری روشهای نوین تدریس متناسب با اهداف و محتوای برنامه درسی	فراوانی	۱	۵	۵	۲۵	۱۴	۵۰	۳/۹۲	۶
	درصد	٪۲	٪۱۰	٪۱۰	٪۵۰	٪۲۸	٪۱۰۰		
۹. نظارت مدیران، مسئولان مناطق آموزشی، کارشناسان و بازرسان آموزشی بر اجرای برنامه-های درسی	فراوانی	۲	۷	۴	۲۳	۱۳	۴۹	۳/۷۸	۱۱
	درصد	٪۴/۱	٪۱۴/۳	٪۸/۲	٪۴۶/۹	٪۲۶/۵	٪۱۰۰		
۱۰. پرهیز از اختصاص دادن ساعت دروسی مانند هنر، تربیت بدنی یا تفکر و سبک زندگی به سایر دروس	فراوانی	۴	۸	۳	۲۴	۱۱	۵۰	۳/۶	۱۳
	درصد	٪۸	٪۱۶	٪۶	٪۴۸	٪۲۲	٪۱۰۰		
۱۱. رعایت کردن تناسب میان جمعیت کلاسی و نسبت آن با معلم (حداکثر هر کلاس ۲۵ دانش آموز)	فراوانی	۳	۸	۵	۲۳	۱۰	۴۹	۳/۵۹	۱۴
	درصد	٪۶/۱	٪۱۶/۳	٪۱۰/۲	٪۴۶/۹	٪۲۰/۴	٪۱۰۰		
۱۲. ترغیب معلمان به استفاده از مواد آموزشی متفاوت و وسایل دیداری و شنیداری متناسب با محتوای هر درس	فراوانی	۱	۶	۲	۳۱	۱۰	۵۰	۳/۸۶	۱۰
	درصد	٪۲	٪۱۲	٪۴	٪۶۲	٪۲۰	٪۱۰۰		
۱۳. آموزش به مدیران، معلمان و خانواده‌ها در زمینهٔ اهمیت تربیتی کلیه دروس	فراوانی	۴	۸	۶	۲۳	۹	۵۰	۳/۵	۱۵
	درصد	٪۸	٪۱۶	٪۱۲	٪۴۶	٪۱۸	٪۱۰۰		
۱۴. تربیت معلمان واجد صلاحیت در دروسی که نیاز به معلم متخصص دارند از طریق دانشگاه فرهنگیان	فراوانی	۱	۷	۰	۲۵	۱۶	۴۹	۳/۹۸	۴
	درصد	٪۲	٪۱۴/۳	٪۰	٪۵۱	٪۳۲/۷	٪۱۰۰		
۱۵. طراحی فعالیتهای قابل اجرا با توجه به واقعیتهای موجود در مدارس	فراوانی	۱	۵	۱	۳۲	۱۰	۴۹	۳/۹۲	۷
	درصد	٪۲	٪۱۰/۲	٪۲	٪۶۵/۳	٪۲۰/۴	٪۱۰۰		
۱۶. تاکید بر نقش یادگیری دستور زبان فارسی در فهم عبارات و جملات و نقش آن در یادگیری دروسی مانند زبان عربی و زبان خارجی	فراوانی	۲	۸	۱۱	۲۳	۶	۵۰	۳/۴۶	۱۶
	درصد	٪۴	٪۱۶	٪۲۲	٪۴۶	٪۱۲	٪۱۰۰		
وضعیت کلی برنامه درسی اجرا شده								۳/۸۴	

با توجه به داده‌های جدول شماره ۳، از نظر برنامه‌ریزان درسی و افراد صاحب‌نظر راهکار شماره ۵ (گسترش دوره‌های ضمن خدمت به شیوه‌های حضوری و مجازی و ارتقای کیفیت دوره‌های ضمن خدمت و اختصاص دادن زمان کافی برای تبیین برنامه جدید و کسب مهارت در اجرای برنامه) با میانگین ۴/۱۸ در اولویت اول، راهکار شماره ۶ (برگزاری دوره‌های ضمن خدمت

[Downloaded from qjoe.ir on 2026-11-17]
[DOR: 20.1001.1.10174133.1398.35.1.7.4]

برای معلمان تازه‌کار و غیر مرتبط) با میانگین ۴/۱۴ در اولویت دوم و راهکارهای شماره ۷ (برنامه‌ریزی در جهت افزایش سطح مهارتهای علمی و حرفه ای مدرسان استانی و انتخاب مدرسان دارای صلاحیت از سوی استانها و مناطق آموزشی) با میانگین ۴/۰۶ و شماره ۱۴ (تربیت معلمان واجد صلاحیت در دروسی که نیاز به معلم متخصص دارند از طریق دانشگاه فرهنگیان) با میانگین ۳/۹۸ در اولویت سوم قرار دارند.

جدول ۴: نتایج نظرسنجی دربارهٔ راهکارهای پیشنهادی پژوهشگران در زمینهٔ بهبود کیفیت برنامه‌های درسی کسب شده و میزان اعتبار آنها از نظر برنامه‌ریزان درسی و افراد صاحب نظر(دوره اول متوسطه)

راهکارهای **مربوط به برنامه درسی کسب شده**		خیلی کم	کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد	جمع	میانگین از ۵	ترتیب میانگین
۱. به کارگیری راهبردهای ارزشیابی توصیه شده در کتاب راهنمای معلم	فراوانی	۰	۷	۱	۳۳	۹	۵۰	۳/۸۸	۲
	درصد	٪۰	٪۱۴	٪۲	٪۶۶	٪۱۸	٪۱۰۰		
۲. آشنا کردن معلمان با شیوه‌ها و اصول ارزشیابی در طراحی سؤالات مفهومی و استاندارد شده	فراوانی	۰	۶	۰	۲۸	۱۵	۴۹	۴/۰۶	۱
	درصد	٪۰	٪۱۲/۲	٪۰	٪۵۷/۱	٪۳۰/۶	٪۱۰۰		
۳. دادن بازخورد به معلمان دارای عملکرد ضعیف در کلاس درس از سوی مدیران و مسئولان اداری	فراوانی	۱	۷	۰	۳۰	۱۰	۴۸	۳/۸۵	۳
	درصد	٪۲/۱	٪۱۴/۶	٪۰	٪۶۲/۵	٪۲۰/۸	٪۱۰۰		
۴. طرح سؤالات امتحانی با توجه به تفاوتهای فردی دانش آموزان در یادگیری موضوعات درسی (کمی آسان، نسبتاً دشوار، دشوار)	فراوانی	۱	۶	۴	۲۸	۱۱	۵۰	۳/۸۴	۴
	درصد	٪۲	٪۱۲	٪۸	٪۵۶	٪۲۲	٪۱۰۰		
۵. تشویق دانش آموزان ضعیف به یادگیری و ایجاد انگیزه در آنها	فراوانی	۲	۵	۳	۳۲	۸	۵۰	۳/۷۸	۵
	درصد	٪۴	٪۱۰	٪۶	٪۶۴	٪۱۶	٪۱۰۰		
۶. پرهیز از اجرای سلیقه ای شیوه ارزشیابی از محتوای هر درس و پایبندی به توصیه‌های برنامه‌ریزان درسی با توجه به ماهیت دروس (برای مثال ماهیت نظری –عملی یا عملی هر درس)	فراوانی	۱	۸	۳	۲۷	۱۰	۴۹	۳/۷۶	۶
	درصد	٪۲	٪۱۶/۳	٪۶/۱	٪۵۵/۱	٪۲۰/۴	٪۱۰۰		
وضعیت کلی برنامه درسی کسب شده								۳/۸۶	

با توجه به داده‌های جدول شماره ۴، از نظر برنامه‌ریزان درسی و افراد صاحب‌نظر راهکار شماره ۲(آشنا کردن معلمان با شیوه‌ها و اصول ارزشیابی در طراحی سؤالات مفهومی و استاندارد شده) با میانگین ۴/۰۶ در اولویت اول، راهکار شماره ۱ (به‌کارگیری راهبردهای ارزشیابی توصیه شده در کتاب راهنمای معلم) با میانگین ۳/۸۸ در اولویت دوم، راهکار شماره ۳(دادن بازخورد به معلمان دارای عملکرد ضعیف در کلاس درس از سوی مدیران یا مسئولان اداری) با میانگین ۳/۸۵ در اولویت سوم و راهکار شماره ۴ (طرح سؤالات امتحانی با توجه به تفاوتهای فردی دانش آموزان در یادگیری موضوعات درسی (کمی آسان، نسبتاً دشوار، دشوار) با میانگین ۳/۸۴ در

[Downloaded from qjoe.ir on 2026-11-17]
[DOR: 20.1001.1.10174133.1398.35.1.7.4]

اولویت چهارم قرار دارد. با توجه به بالا بودن میانگین کل در مجموع می‌توان اظهار کرد که راهکارهای پیشنهادی مورد تأیید برنامه‌ریزان درسی است.

جدول ۵: نتایج آزمون دوجمله ای برای بررسی معناداری راهکارهای پیشنهادی در زمینهٔ برنامه‌های درسی قصد، اجرا و کسب شده در دوره اول متوسطه

آزمون غیر پارامتریک دو جمله ای						
		دسته	تعداد نمونه	نسبت مشاهده شده	نسبت مورد انتظار	سطح معناداری
برنامه درسی قصد شده	گروه ۱	۳ ≤	۵	۰/۱	۰/۵	۰/۰۰۰
	گروه ۲	۳ <	۴۵	۰/۹		
	جمع		۵۰	۱		
برنامه درسی اجرا شده	گروه ۱	۳ ≤	۹	۰/۱۸	۰/۵	۰/۰۰۰
	گروه ۲	۳<	۴۱	۰/۸۲		
	جمع		۵۰	۱		
برنامه درسی کسب شده	گروه ۱	۳ ≤	۸	۰/۱۶	۰/۵	۰/۰۰۰
	گروه ۲	۳ <	۴۲	۰/۸۴		
	جمع		۵۰	۱		

همان‌گونه که در جدول شماره ۵ ملاحظه می‌شود ۴۵ نفر (۹۰ درصد) از کارشناسان و افراد صاحب‌نظر راهکارهای پیشنهادی در زمینهٔ برنامه درسی قصد شده را با نمره بیش از حد وسط ۳ ارزیابی کرده اند، درصورتی که تنها ۵ نفر (۱۰ درصد) برنامه درسی قصد شده را با نمره کمتر از حد وسط ۳ ارزیابی نموده اند. آزمون دوجمله ای اختلاف دو نسبت را معنادار نشان می‌دهد ($Sig = 0.000<0.05$)، یعنی راهکارهای برنامه درسی قصد شده مورد تایید کارشناسان بوده است. ۴۲ نفر (۸۴ درصد) کارشناسان راهکارهای پیشنهادی در زمینهٔ برنامه درسی کسب شده را با نمره بیش از حد وسط ۳ ارزیابی کرده اند، درصورتی که ۸ نفر (۱۶درصد) برنامه درسی کسب شده را با نمره کمتر از حد وسط ۳ ارزیابی کرده اند. آزمون دوجمله ای اختلاف دو نسبت را معنادار نشان می‌دهد ($Sig = 0.000<0.05$)، یعنی راهکارهای برنامه درسی کسب شده نیز مورد تایید کارشناسان است.

جدول ۶: ضریب همبستگی رتبه ای اسپیرمن وآزمون معناداری رابطه میان راهکارهای مرتبط با برنامه‌های درسی قصد، اجرا و کسب شده

همبستگی				
		برنامه درسی قصد شده	برنامه درسی اجرا شده	برنامه درسی کسب شده
برنامه درسی قصد شده	ضریب همبستگی	۱	۰/۴۴۱	۰/۳۸۴
	سطح معناداری	.	۰/۰۰۱	۰/۰۰۶
	تعداد نمونه	۵۰	۵۰	۵۰

[Downloaded from qjoe.ir on 2026-11-17]
[DOR: 20.1001.1.10174133.1398.35.1.7.4]

برنامه درسی اجرا شده	ضریب همبستگی	۰/۴۴۱	۱	۰/۴۴۰
	سطح معناداری	۰/۰۰۱	.	۰/۰۰۱
	تعداد نمونه	۵۰	۵۰	۵۰
برنامه درسی کسب شده	ضریب همبستگی	۰/۳۸۴	۰/۴۴۰	۱
	سطح معناداری	۰/۰۰۶	۰/۰۰۱	۰
	تعداد نمونه	۵۰	۵۰	۵۰

براساس داده‌های جدول۶، همبستگی مثبت، قوی و معناداری (Sig <0.05) میان ارزیابی راهکارهای پیشنهادی در زمینهٔ برنامه درسی قصد شده، اجرا شده و کسب شده ازسوی برنامه‌ریزان درسی و افراد صاحب نظر مشاهده می‌شود که حاکی از هماهنگی و ثبات در ارزیابی راهکارهای پیشنهادی و ارتباط میان برنامه‌های درسی قصد، اجرا و کسب شده است. با توجه به این میزان همبستگی و هماهنگی میان راهکارهای پیشنهادی از سوی پژوهشگران و بر اساس داده‌های جداول ۲، ۳، ۴ و ۵ که کسب میانگین کل ۳/۸۴ از ۵ را نشان می‌دهند، در مجموع می‌توان گفت این راهکارها از سوی برنامه‌ریزان درسی، افراد صاحب‌نظر، معلمان و عوامل پشتیبان برنامه‌های درسی مورد تایید قرار گرفته و قابلیت اجرایی دارند.

بحث و نتیجه‌گیری

با توجه به یافته‌های پژوهش و بالا بودن رتبه میانگین راهکارهای پیشنهادی و معنادار بودن این راهکارها و نیز هماهنگی معنادار میان آنها، برای کاهش شکاف میان سه برنامه درسی قصد شده، اجرا شده و کسب شده این راهکارها را به شرح زیر می‌توان به کار گرفت:

در بعد برنامه درسی قصد شده ۱) متناسب‌سازی برنامه درسی با رشد سنی و عقلانی دانش‌آموزان و شرایط دوره نوجوانی، ۲) تبیین جنبه‌های کاربردی محتوا در کتاب درسی، ۳) توجه به باورهای اعتقادی، اجتماعی و فرهنگی خانواده‌ها و ارزشهای حاکم بر جامعه در انتخاب محتوا، ۴) پرهیز از مفاهیم بسیار انتزاعی و بسیار دشوار در برنامه‌های درسی و ۵) بالابردن جذابیت محتوا در اولویت اول قرار دارند.

در بعد برنامه درسی اجرا شده ۱) گسترش دوره‌های ضمن خدمت به شیوه‌های حضوری و مجازی و ارتقای کیفیت دوره‌های ضمن خدمت و اختصاص دادن زمان کافی برای تبیین برنامه جدید و کسب مهارت در اجرای برنامه، ۲) برگزاری دوره‌های ضمن خدمت برای معلمان تازه کار و غیر مرتبط، ۳) برنامه‌ریزی در جهت افزایش سطح مهارتهای علمی و حرفه ای مدرسان استانی و انتخاب مدرسان دارای صلاحیت توسط استانها و مناطق آموزشی و ۴) تربیت معلمان واجد صلاحیت در دروسی که نیاز به معلم متخصص دارند از طریق دانشگاه فرهنگیان در اولویت اول قرار دارند.

[Downloaded from qjoe.ir on 2026-11-17]

[DOR: 20.1001.1.10174133.1398.35.1.7.4]

در بعد برنامه درسی کسب شده ۱) آشنا کردن معلمان با شیوه‌ها و اصول ارزشیابی در طراحی سؤالات مفهومی و استاندارد شده، ۲) به‌کارگیری راهبردهای ارزشیابی توصیه شده در کتاب راهنمای معلم، ۳) دادن بازخورد به معلمان دارای عملکرد ضعیف در کلاس درس از سوی مدیران یا مسئولان اداری و ۴) طرح سؤالات امتحانی با توجه به تفاوتهای فردی دانش آموزان در یادگیری موضوعات درسی (کمی آسان، نسبتاً دشوار، دشوار) در اولویت اول قرار دارند.

یافته‌های این پژوهش هماهنگی و همسویی دارد با نتایج پژوهش حاجی‌تبار و همکاران (۱۳۹۵) که بر طراحی برنامه درسی به صورت مشارکتی و دخالت معلمان و سایر ذینفعان در امر برنامه‌ریزی درسی، توجه بیشتر به دوره‌های ضمن خدمت و نظارت بر عملکرد معلمان تاکید دارند. همچنین نتایج همسوست با یافته‌های کارول (۲۰۱۵) که بر تولید مواد آموزشی کیفی برای معلمان و دانش آموزان با توجه به استانداردهای برنامه درسی تاکید ورزیده اند و نیز همراستاست با نتایج پژوهش فیتون و استیِرز (۲۰۱۷) که بر طراحی برنامه‌های کیفی متناسب با نیازهای فردی و اجتماعی، ضعف در پشتیبانی از برنامه اجرایی، کیفیت پایین بسته‌های آموزشی، عدم درک مهارتهای فرایند علمی و ناآشنایی معلمان با محتوای راهنمای برنامه درسی و آموزش معلمان تاکید دارند. همچنین یافته‌های پژوهش حاضر همسویی دارد با تحقیق جمالی‌فر و همکاران (۱۳۹۵) که بر ناکافی بودن زمان آموزش ضمن خدمت، پایین بودن مهارت معلمان در تدریس و ارزشیابی، متناسب نبودن حجم محتوا، پشتیبانی ضعیف از اجرای برنامه و عدم دسترسی به کتاب راهنمای معلم تاکید دارند. نتایج پژوهش معافی و جمالی‌فر (۱۳۹۵) که بر توجه به اصول یازدهگانه در طراحی برنامه‌های درسی، تربیت معلم از طریق دانشگاه فرهنگیان، انتخاب مدرسان واجد صلاحیت، برگزاری دوره‌های ضمن خدمت حضوری و مجازی تاکید دارد، یافته‌های مطالعه علوی‌مقدم (۱۳۹۲) که بر نقش مدیران در اجرای برنامه‌های درسی و تشویق معلمان به بهره‌گیری از روشهای تدریس نوین تاکید دارد، نتایج پژوهش غلام‌آزاد (۱۳۹۲) که توجه به تفاوتهای فردی دانش آموزان و کاربردی بودن برنامه‌های درسی را در تدوین برنامه درسی مهم می‌داند و همچنین یافته‌های پژوهش هاشمی (۱۳۹۲) که متناسب نبودن اهداف برنامه با نیازهای سنی و عقلی دانش‌آموزان و غفلت از نیازسنجی در طراحی برنامه درسی را از عوامل ضعف این برنامه‌ها می‌داند، یافته‌های تحقیق تورانی (۱۳۹۳) که بر ارتقای توانایی معلمان در تدریس و ارزشیابی از آموخته‌های فراگیران بر اساس دستورالعملهای مربوط و نیز نتایج پژوهش احمدی (۱۳۸۰) که بر هماهنگی میان

[Downloaded from qjoe.ir on 2026-11-17]

[DOR: 20.1001.1.10174133.1398.35.1.7.4]

دفاتر ذینفع در برنامه‌ریزی، اجرا و ارزشیابی و بالا بردن توانمندیهای مدرسان دوره‌های ضمن خدمت تاکید دارند، با یافته‌های پژوهش حاضر همسوست.

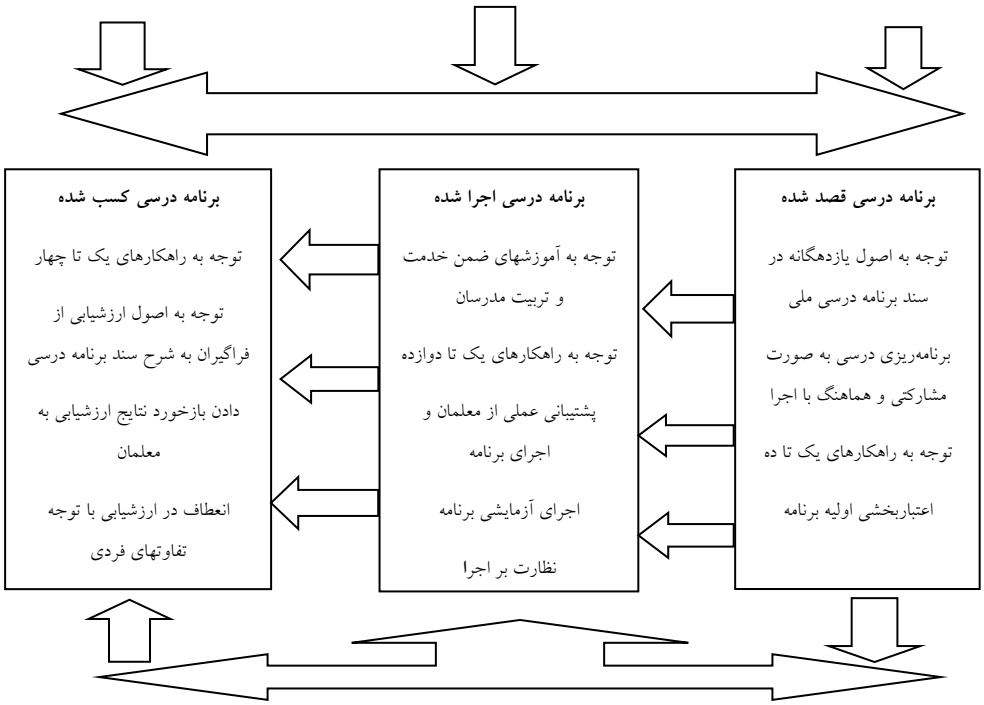
پیشنهادها

۱. رعایت اصول یازدهگانه به شرح سند برنامه درسی ملی در کلیه حوزه‌های یادگیری و برنامه‌ریزی برای گسترش و ارتقای کیفیت دوره‌های ضمن خدمت.

۲. توجه به راهکارهای پیشنهادی به منظور کاهش شکاف میان برنامه‌های درسی قصد شده، اجرا شده و کسب شده در دوره اول متوسطه با رعایت اولویتهای پیشنهادی.

۳. ضرورت هماهنگی بیشتر میان دفاتر ذینفع در برنامه‌ریزی، اجرا و ارزشیابی از برنامه‌های درسی.

در شکل ۱، الگوی عملیاتی برای کاهش این شکاف پیشنهاد می‌شود. این مدل از نوع چرخشی است و این پیام را منتقل می‌کند که برنامه‌ریزی شروع دارد، اما پایانی ندارد.



شکل ۱: الگوی عملیاتی برای کاهش شکاف میان برنامه‌های درسی قصد شده، اجرا شده و کسب شده در دوره اول متوسطه

[Downloaded from qjoe.ir on 2026-11-17]
[DOR: 20.1001.1.10174133.1398.35.1.7.4]

منابع

احمدی، غلامعلی. (۱۳۸۰). *بررسی میزان همخوانی و هماهنگی بین سه برنامه قصد شده، اجراشده و کسب شده در برنامه جدید علوم دوره ابتدایی*. گزارش طرح پژوهشی، تهران: پژوهشکده تعلیم و تربیت.

امانی طهرانی، محمود. (۱۳۹۴). *طراحی و تدوین مدلی کارآمد برای* بهبود وضعیت آموزش علوم در کلاسهای فاقد امکانات کافی و بررسی میزان تاثیر آن. رساله دکتری، دانشگاه خوارزمی، دانشکده روانشناسی.

تورانی، حیدر. (۱۳۹۳). *ارزشیابی از بسته آموزشی برنامه درسی تفکر و سبک زندگی پایه هفتم*. گزارش طرح پژوهشی، تهران: پژوهشگاه مطالعات آموزش و پرورش.

جمالی‌فر، محمدعلی. (۱۳۹۵). *بررسی میزان همخوانی برنامه درسی قصد شده درس تفکر و سبک زندگی پایه هشتم با برنامه درسی اجراشده و کسب شده به منظور ارائه الگوی مناسب*. رساله دکتری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اراک.

جمالی‌فر، محمدعلی؛ هاشمی‌مقدم، سید شمس‌الدین؛ عابدی کرجی‌بان، زهره و فقیهی، علیرضا. (۱۳۹۵). بررسی همخوانی برنامه درسی قصد شده درس تفکر و سبک زندگی پایه هشتم دوره اول متوسطه با برنامه درسی اجراشده و کسب شده. *فصلنامه خانواده و پژوهش، ۱۳* (۴)، ۲۱-۴۲.

جیکبز، هایدی هیز. (۱۳۹۲). *برنامه درسی قرن ۲۱: تعلیم و تربیت اساسی در دنیای متحول امروز*، (ترجمه محسن خادمی و محمد حسین زارعی). تهران: انتشارات آوای نور.

حاجی‌تبار فیروزجائی، محسن؛ ملکی، حسن و احمدی، غلامعلی. (۱۳۹۵) *طراحی و اعتبارسنجی الگوی مفهومی کاهش فاصله برنامه درسی قصد شده، اجراشده و کسب شده در نظام آموزش عمومی ایران. دوفصلنامه نظریه و عمل در برنامه درسی، ۴* (۷)، ۵-۳۰.

دبیرخانه شورای عالی آموزش و پرورش. (۱۳۹۱). *برنامه درسی ملی جمهوری اسلامی ایران، مصوبه اسفند ۱۳۹۱*. تهران: شورای عالی آموزش و پرورش با همکاری سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی.

رستگار، طاهره. (۱۳۸۳). *ارزشیابی در خدمت آموزش: رویکردهای نو در سنجش و ارزشیابی با تاکید بر سنجش مستمر و پویا و بازخورد مؤثر به دانش‌آموزان در فرایند آموزش*. تهران: موسسه فرهنگی منادی تربیت.

علوی‌مقدم، بهنام. (۱۳۹۲). *ارزشیابی از بسته آموزشی برنامه زبان انگلیسی پایه هفتم (سال اول دوره متوسطه)، سال تحصیلی ۱۳۹۲-۱۳۹۱*. پژوهشگاه مطالعات آموزش و پرورش، پژوهشکده برنامه‌ریزی درسی و نوآوری‌های آموزشی.

غلام آزاد، سهیلا. (۱۳۹۲). *ارزشیابی از بسته آموزشی برنامه ریاضی پایه هفتم (سال اول دوره متوسطه)، سال تحصیلی ۱۳۹۲-۱۳۹۱*. پژوهشگاه مطالعات آموزش و پرورش، پژوهشکده برنامه‌ریزی درسی و نوآوری‌های آموزشی.

لوی، الف. (۱۳۹۱). *برنامه‌ریزی درسی مدارس*، (ترجمه فریده مشایخ). تهران: انتشارات مدرسه.

معافی، محمود و جمالی‌فر، محمد علی. (۱۳۹۵). *نظرسنجی از برنامه‌ریزان گروههای مختلف درسی در خصوص برنامه درسی قصدشده، اجراشده و کسب شده*. دفتر برنامه ریزی و تالیف کتب درسی دوره اول متوسطه.

ملکی، حسن. (۱۳۷۶). *برنامه ریزی درسی (راهنمای عمل)*. تهران: انتشارات مدرسه.

[Downloaded from qjoe.ir on 2026-11-17]

[DOR: 20.1001.1.10174133.1398.35.1.7.4]

هاشمی، شهناز. (۱۳۹۲). *ارزشیابی از بسته آموزشی برنامه مطالعات اجتماعی پایه هفتم (سال اول دوره متوسطه)، سال تحصیلی ۱۳۹۲-۱۳۹۱*. پژوهشگاه مطالعات آموزش و پرورش، پژوهشکده برنامه‌ریزی درسی و نوآوری‌های آموزشی.

Beauchamp, G.A. (1981). *Curriculum theory.* Illinois: Peacock Publishers, Inc.

Carroll, K. (2015). *The curriculum gap.* Grantmakers for Education, US.

Eash, M.J. (1991). Curriculum components. In A. Lewy (Ed.), *The international encyclopedia of curriculum* (pp. 67-69). Oxford: Pergamon Press.

Gay, G. (1991). Curriculum development. In A. Lewy, (Ed.), *The international encyclopedia of curriculum* (pp. 293-301). Oxford: Pergamon Press.

Ghourchian, N.G. (2000). *The first international terminology of curriculum as a referential dictionary*. Tehran: Farashenakhti Andisheh Publications.

Moafi, M. (2007).*Comparative study in curricular of Iran, India and Malaysia: A theoretical framework and a model in general education*. Doctoral dissertation, New Delhi University.

National Curriculum Framework. (2005). New Delhi, National Council of Educational Research and Training.

Phaeton, J.M., & Stears, M. (2017). Exploring the alignment of the intended and implemented curriculum through teachers' interpretation: A case study of A-level biology practical work. *Eurasia Journal of Mathematics, Science and Technology Education, 13*(3), 723-740.

Sarmiento, L. (2014). Assessing *the curriculum (intended vs. implemented vs. achieved).* Oslo: SlideShare.

[Downloaded from qjoe.ir on 2026-11-17]

[DOR: 20.1001.1.10174133.1398.35.1.7.4]